

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### تتبع و بررسی اقوال

اولین تعریف: تنافی مدلولی الدلیلین علی وجه التناقض او التضاد.

آقای آخوند یک مشکل اساسی با این تعریف دارد، مشکلی که باعث شده تعریف را عوض کند. ایشان فکر می کند این تعریف مانع اغیار نیست از این جهت به یک تغییر اساسی در تعریف دست زده است. ایشان عقیده اش این است که اگر تعارض را به تنافی مدلول دو دلیل تعریف کردیم شامل مواردی که دلیل ها حاکم و محکوم هستند، مطلق و مقید، عام و خاص، حکم اولی و ثانوی و ... می شود در حالی که در این موارد تعارضی در کار نیست بلکه جمع مقبول و جمع عرفی وجود دارد. پس تعریف مشهور هم شامل تعارض قابل حل می شود و هم شامل تعارض غیر قابل حل در حالی که ما باید تعریفی ارائه کنیم که فقط شامل تعارض های غیرقابل حل شود.

ایشان اینگونه تعریف می کند: «تنافی الدلیلین او الادلة بحسب الدلالة و مقام الاثبات» مقام دلالت یعنی رساندن مطلب و مقام اثبات یعنی برداشتی که ما از دلیل داریم یعنی «تنافی الدلیلین او الادلة بما هما دالان».

یک چیز دیگر هم مرحوم آخوند به تعریف مشهور اضافه کرده اگرچه مقصود بوده و آن هم این است: «حقیقتا او عرضا» گاهی تنافی حقیقی است و گاهی بالعرض است. حقیقی مثل اینکه یک دلیل می گوید نماز جمعه واجب است و یک دلیل دیگر گفت نماز جمعه حرام است و بالعرض جایی است که دو دلیل باهم هیچ تنافی ندارند ولی یک جهت خارجی باعث شده که تنافی پیدا بشود مثل اینکه یک دلیل می گوید ظهر جمعه نماز جمعه واجب است و یک دلیل دیگر می گوید ظهر جمعه نماز ظهر واجب است این دو دلیل هیچ تنافی باهم ندارند ولی از خارج می دانیم که ظهر جمعه یک نماز بیشتر واجب نیست.

پس تنها تغییر اساسی که مرحوم آخوند در این تعریف ایجاد کرد این است که ایشان «مدلولی الدلیلین» را برداشت و به جای آن «تنافی الدلیلین او الادلة بحسب الدلالة و مقام الاثبات» گذاشت و علت این کار هم به تعبیر خود ایشان در ادامه این است که ایشان معتقد است با تعریف ایشان به صرف تنافی دو دلیل تعارض صدق نمی کند و تعریف مانع اغیار می شود. اما بعضی ها مانند آقای نائینی و آقای خوئی با زبان بی زبانی گفته اند آقای آخوند این سعی شما عقیم است و همان تعریف مشهور مانع اغیار بود. یعنی همان «تنافی مدلولی الدلیلین» کافی بود. مشهور گفته اند تنافی مدلول دو دلیل آن منظورشان تنافی در نگاه اول نیست بلکه منظورشان تنافی مستقر است و در عام و خاص، مطلق و مقید، حاکم و محکوم و ... تنافی مستقر نیست. پس اگر تعریف شما مانع اغیار است تعریف مشهور هم مانع اغیار است و اگر مانع اغیار نیست تعریف شما نیز مانع اغیار نیست.

به نظر من آقای عراقی با دقت بیشتری با عبارت آخوند برخورد کرده و گویا می خواهد از عبارت آخوند دفاع کند.

یکی از کسانی که حتما باید در مطالعات دیده شود عبارت های آقای عراقی است ایشان ممحض در درس و بحث بوده. ایشان در اینجا می خواهد دو جهت بیاورد که چرا مرحوم آقای آخوند این عبارت را آورده است:

1- در ادله و روایات باب تعارض عمدتا اختلاف دلیلین است لذا راوی سؤال می پرسد «إِذَا جَاءَ عِنكُمْ الْحَدِيثَانِ الْمُخْتَلِفَانِ» یعنی متعلق تعارض را مدلول قرار نداده بلکه حدیثان قرار داده یعنی تعارض را وصف دلیل و حدیث قرار می دهد نه مدلول اگر چه قبول داریم دلیل بما هو هو تعارض ندارد بلکه به اعتبار مدلول است. پس مرحوم آخوند که وصف را برای خود دلیل قرار داده در واقع عنوان تعریف را با عنوان ادله ی علاجیه همسو کرده است.

2- هر دلیلی یک مقام دلالت دارد و یک مقام حجیت. ممکن است یک دلیل به حسب دلالت، عام باشد ولی به حسب حجیت خاص باشد. و اینکه مرحوم آخوند می گوید «بحسب الدلالة و مقام الاثبات» یعنی بحسب مقام حجیت. در این صورت تمام جمع های عرفی خارج می شود چون همه ی آن ها برای قبل از مقام حجیت است اما از نظر مدلول خارج نمی شود. اگر گفتیم مدلولی الدلیلین شامل موارد جمع عرفی می شود ولی اگر گفتیم ادله به حسب مقام دلالت و اثبات یعنی به حسب مقام حجیت، شامل موارد جمع عرفی نمی شود. پس این دو تا تعریف با هم متفاوت است.